خلیل الله معروفی

۲۰۲۴/۰۱/۱۰

واضع اصلیِّ اصطلاح منحوسِ "افغانستانی"

همین لحظه، که ساعت دوی نیمهٔ شب هفتم جنوری ۲۰۲۴ است، کامنت دوست و برادر عزیزم، جناب "داوود جان مومند" را در مناظرات صفحهٔ دیروز، ششم جنوری "آریانا افغانستان آنلاین" خواندم؛ و خواندم، که جنابشان در زمینهٔ واضع اصلیِّ این اصطلاح منحوس و مردود سیاسی، جویای معلومات شده اند.

تا جائی، که حافظه ام قد میدهد، مبارزهٔ جدّی در برابر استعمال اصطلاح بدنام "افغانستانی" در چارم اپریل ۲۰۰۵ درگرفت و آن زمانی بود، که فرهنگیِّ نامدار جناب "استاد ولی احمد نوری" مقاله ای در جریدهٔ "امید" منتشر ساخت زیر عنوان «استعمال نام افغانستانی جرم است». این مقاله در واقع محرّک اصلی مبارزه با اصطلاح "افغانستانی" بود؛ چنان، که این قلم سلسله مقالاتی را در چار قسمت نوشت و بار اول در ماه جون همان سال در جریدهٔ "امید" منتشر کرد، تحت عنوان "افغان، افغانی، افغانستانی"، که مورد استقبال وسیع افغانان وطنپرست و طرفدار "افغان و افغانستان" قرار گرفت؛ و وطنداران مبارز دیگر هریک "داکتر صاحب میر عبدالرحیم عزیز" و "میرمن ملال جان موسی نظام" و دیگران دست به قلم بردند و تا جائی پیش رفتند، که جبههٔ منفور "افغانستانی‌ها" منهزم گشت.

من بار اول اصطلاح بدنام و تفرقه‌انداز "افغانستانی" را در کتاب "نجیب مائل هروی" خوانده بودم، که زیر عنوان "تاریخ و زبان در افغانستان" منتشر گشته بود. این کتاب از طرف "موقوفات افشار" به نشر رسیده است و من چاپ دوم این کتاب ـ از سال ۱۳۷۱ ـ را در اختیار دارم، که در رستهٔ «مجموعهٔ انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات داکتر محمود افشار یزدی» و به حیث اثر شماره «۱۴» منتشر گشته است. "داکتر محمود افشار یزدی" ضمن «پیش سخن» این کتاب در تیرماه(سرطان) ۱۳۶۲ نوشت:

«نوشته ای با نام "پژواک ابتذال" با زیرعنوان (علل تشتت فرهنگی و اجتماعی افغانستان) به خامهٔ آقای نجیب مایل هروی برای چاپ در سلسلهٔ انتشارات بنیاد این موقوفات با نامه ای از فاضل نامبرده دریافت گردید. چون نظر اجمالی در آن نمودم به ایشان نوشتم اگر موافقت نمایند اسم کتاب به نام مناسبتر دیگری تغییر داده شود. چند سطری از پاسخ ایشان عیناً نقل میشود:

«در بارهٔ اسم کتاب نیز نظر پیرانهٔ آن استاد مقبول بنده میباشد.... هر اسمی که به نظر آن حضرت مناسب مینماید و تجانس داشته باشد خوب است که گزین شود و اختیار گردد .... شاید در آینده تأملاتی سزاوارتر در زمینهٔ زبانها و گویشها و گونه های زبانی زنده در افغانستان بکنم که هم تکملهٔ این رساله باشد و هم مشکل تضاد زبانی فارسی و پشتو را به شیوه ای محققانه و بدور از تعصب زبانی حل کنم، زیرا هویت افغانستانی‌ها به هویت فرهنگ و زبان فارسی است و حتی‌المقدور نباید بگذاریم که سرنوشت زبان فارسی در آنجا همانند سرنوشت فارسی در هندوستان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بشود. تا کنون اهل قلم در افغانستان مسئلهٔ فارسی و پشتو را صمیمانه و محققانه عنوان نکرده اند. هم فارسی زبانان و هم پشتوزبانان با عصبیت تندی با یکدیگر مقابل شده اند، و این برخورد دستمایهٔ بی هویتی هردو طرف شده است و امیدوارم بنده در این راه عقده ای از عقده های فراوان را بگشایم.»

این بنیاد دین و سیاست را از تاریخ و فرهنگ و زبان در کار و روش خود جدا میداند و وارد بحث آنها نمیشود. آنچه بیغرضانه و عالمانه نوشته شود و به دو کشور برادر و برابر افغان و ایران و هدف این بنیاد ضرری نرساند از منتشر کردن آنها خوشوقت خواهد بود. خود نیز تا آنجا که میسر است پرهیز ندارد....»

در مقدمهٔ "داکتر محمود افشار یزدی"، این نکتهٔ بسیار مهم و جالب را نیز میخوانیم:

«چون اکنون صحبت ایران و افغانستان در میان است و زبان فارسی دری رایجترین زبانها در هردو کشور است، عنان سخن را مخصوصاً بدان سو میکشانم، زیرا متأسفانه کسانی در افغانستان پیدا شده اند که به مبارزه با این زبان برخاسته اند.

نخست میخواهم بدانم که آیا زبان دری متعلق به خود افغانستان است یا بر آن کشور از خارج تحمیل شده است؟ سپس آیا گسترش آن در آنجا به سود ملت و کشور افغان است یا به زیان آن؟

این زبان در درجهٔ اول زائیده و پرورش یافتهٔ افغانستان است نه ایران، اما استانهای ایران هم بعد از خراسان یکی پس از دیگری، با راه گشائی شعرا و نویسندگان، زبان و لهجهٔ محلی را کمابیش رها کرده و زبان دری خراسان را برگزیدند، به طوری که چند صد سال بعدتر در شیراز و گنجه و شروان هم زبان ادبی شد، و مولوی بلخی و دیگران آن را به آسیای صغیر و دولت عثمانی سوغات بردند.»

چنان، که از آثار "نجیب مایل هروی" بر می‌آید، وی اولین کسی بود، که اصطلاح "افغانستانی" را کاملاً آگاهانه و هدفمندانه و با زیربنای تفرقه افگن سیاسی مطرح کرد. وی حتی پیشنهاد کرد، تا نام "افغانستان" به "آریانا" تبدیل گردد. قسمی، که "نجیب مایل هروی" در آثار بعدی خود ــ از جمله در رسالهٔ "بگذار تا ازین شب دُشوار بگذریم" اقرار میکند، که اصطلاح "افغانستانی" بار اول و قبل از وی، در کتاب مشهور "سراج التواریخ" اثر "فیض محمد کاتب هزاره" به کار برده شده بود.

در بُحبوهٔ مناقشه بر سر اصطلاح "افغانستانی" باری محترم آقای "فضل‌الرحمان فاضل" در جریدهٔ "امید" نوشته بود، که کلمهٔ "افغانستانی" قبل از دیگران در اثری از "مولانا عنایت الله ابلاغ" در مصر به کار رفته بود.

این، که استعمال کلمهٔ "افغانستانی" را به "میر محمد صدیق فرهنگ" و کتاب تأریخش "افغانستان در پنج قرن اخیر" نسبت میدهند، مورد شک این قلم قرار دارد، چون این کتاب حدوداً بیست بار تجدید چاپ شده و آن هم در ایران و از طرف هواخواهان مغرضی چون "حزب وحدت"؛ و من جداً معتقد هستم، که چاپهای متعدد این کتاب توأم است با "دستکاریها" و به اصطلاح "دست‌واشوریها"ی ناشران خداناترس این اثر. حتی در یکی از چاپهای کتاب معروف "افغانستان در مسیر تأریخ" هم دیده بودم، که اصطلاح "افغانستانی" را به جای "افغان" استعمال کرده اند.

مهم مگر اینست تا بدانیم، که اصطلاح "افغانستانی" با متن و "هدف مغرضانهٔ سیاسیِ" آن، بار اول از طرف چه کسی بیرون داده شده است؛ و من "نجیب مایل هروی" را به اصطلاح شیرین عامیانهٔ کابلی "مایهٔ فسات(فساد)" میدانم؛ و همو بود، که این اصطلاح را هدفمندانه و به منظور "تفرقه اندازی" به میدان انداخت!!! والسلام

(خلیل‌الله معروفی ــ جرمنی ــ نیم شب ۷ جنوری ۲۰۲۴)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

تذکّـــر:

موضوع مقالهٔ بالا از اهمیّت بس بزرگ سیاسی برخوردار است و به بررسیّ دوامدار نیاز دارد و شاید در همین یکی دو روز مقالهٔ دیگری به حیث تکملهٔ این مقاله تقدیم نمایم؛ و به اثبات برسانم، که به میدان انداختن اصطلاح تفرقه افگن "افغانستانی"، جزءِ لایجزائی از "تهاجم فرهنگی ایران" به شمار میرود!!!

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ